

## سالگرد قیام بهمن و تصویر جدید

مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

در سی و هشتمین سالگرد قیام بهمن ماه ۵۷، صحنه سیاسی ایران وبه همان زعم صف بندی های طبقاتی و حضور اجتماعی عموم در این زمان دچار تغییراتی شده است که بدون آگاهی از آنها تحلیل وسمت گیری مناسب نسبت به هرکدام وکنش سیاسی وبی شک انتخابی رویکردها دستخوش کمبودهایی خواهد شد که یکبار ودرسی وهفت سال پیش تجربه نموده وبهائی گزاف بابت آن پرداختیم وشکست سنگینی را ایرانیان به دوش کشیدند.

\*\*\*\*\*

در بهمن ماه ۵۷ وعلیرغم میل واراده و خلاف دستور صریح آیت اله خمینی ایرانیان با حمله به مراکز نظامی امنیتی و انتظامی رژیم شاه خط پایانی بر نظام پهلوی دوم وسلطه آن کشیدند. در همان روزی که فرستادگان خمینی مردم را دعوت به ماندن در خانه ها نمودند اما که ایران وایرانی درمسیری قرارگرفت که حتی پرتجربه ترین بازیکنان این صحنه واندیشه ورزان طیف های متفاوت سیاسی هم از کم وکیف و آینده وسرنوشت آن مطلع نبودند. که یک ماشین ترور سازمان سافته به تدریج وباکسب امکانات و حمایتهای بین المللی چگونه برگرده همان مردمان قیام کننده وسپس رهبران فکری وسیاسی آنها سوار شد. که این سیطره ماشین ترور دولت اسلامی تنها بخشی از یک طرح جامع دیگری بود که خلافت های اسلامی را جانشین سقوط دیکتاتورهای زمانه باخته تک تک کشورهای منطقه مینمود و دست رد به حاکمیت شوراهای انقلابی مردم میزد.

\*\*\*\*\*

تاسیس جمهوری اسلامی ایران اما که صحنه بعدی مانوری بود که غرب به اربابی امپراطوری امپریالیستی جهان (امریکا) بازی کرده بود. آن مانور و صحنه سازی هم انتقال قدرت نظامی سیاسی در ایران از شاهنشاهی به خلافت اسلامی بود که با نیرو و دولت انتقالی بختیار از سوی نظام قدیم و آوردن دولت محلل بازرگان از نظام اسلامی پس از خنثی نمودن بازوی نظامی رژیم شاه (ارتش) و انحلال ساواک و خانه نشینی ژنرال هایش عملی شد. در این میان اگر روند اسلامی در انقلاب ضد استبدادی ایرانیان دارای طرح وبرنامه وبودجه آماده و عملی بود ولی گرایش های متفاوت دیگر در اردوی ضد رژیم شاه سردرگم و واکنشی عمل نمودند. اگر نیروی حزب اله و شبکه مساجد و اردوی روحانیت برخوردار از بودجه ها و امدادهای غیبی به لحاظ مالی تدارکاتی ونیروی انسانی کم وکسر نداشتند ولی کلیه نیروهای چپ ودموکرات اما که از پس دهه ها سرکوب و خفقان شاهی به تازگی و اغلب از تبعید و زندان آزاد شده یکدیگر را یافتند. نه طرحی ونه برنامه ای و نه مکانی حتی برای گردهمایی. چنین بود سیمای سیاسی ایرانیان در بهمن ۵۷ خورشیدی.

\*\*\*\*\*

اردوی آیت اله خمینی واسلام سیاسی از این پراکندگی نیروهای چپ و اغلب بسیار جوان سود برد وبا نشان دادن حرکت ماشین سرکوب آدم دزدی ترور و اعدام های سران دستگیر شده رژیم سابق توانست روندهای خرده بورژوازی در صفوف چپ و متمایل به سیاستهای حزب کمونیست شوروی را بسوی خود جلب

نموده وبا همکاری آنان هجوم و هجمه بی سابقه خود را متوجه سایرین نمود به نحوی که که در پاییز ۱۳۶۲ خورشیدی به مقاومت انقلابیون جوان و اردوی اپوزیسیون در داخل در این برهه پایان داد و مرحله تثبیت خود را به پایان برد. در این میان اگرچه خمینی وخلافت اسلامی او بهترین استفاده را از مسئله جنگ با عراق برده وبا سرکوب داخلی وبه بهانه اوضاع جنگی با سببیت هزاران نفر را به جوخه های اعدام سپرد ولی تدریجا با نسل جدیدی روبرو شد که در زمان حیات همین تروریسم دولتی وخلافت بربریت آن بالیده است. که تغییرات سیاسی جدید و معادلات ناشی از آن یکسویه نبوده و رژیم هم در صفوف خود دچار تغییراتی شده که یک سرش بنام جناح اصلاح طلب معروف شد. که این سیمای جدید جامعه ایران در دو وجه دولتی ومردمی دچار چنان تغییراتی شده که مطالعه و پژوهش در آن ملاط ومایه سمت گیریهای سیاسی ما خواهد بود.

\*\*\*\*\*

اگر جمهوری اسلامی و اردوی دولتیان دو پارچه شد به همان دلیل روندهایی درون اردوی اپوزیسیون خودنمایی کردند که مدعی شدند میتوانند از شکاف دوبین بالایی ها یعنی حکومت برای به عقب راندن کل نظام اسلامی سود برده واز جمهوری اسلامی وولایت فقیه که دچار استحاله و درون تغییری شده یک نظام وفادار به ارزش های حقوق بشری و موافق رعایت قواعد بازی بین المللی ساخت! پنداری که در دولتهای رفسنجانی وخاتمی وبویژه جنبش های دانشجویی وبویژه ۸۸ وسپس در تجربه دولت روحانی سترونی وبیهودگی نظری وعملی خود را به اثبات رساند ، که طرفین در مورد بود ونبود رژیم وکلیت نظام دعوائی ندارند و ساختار بنیادین این مجموعه نه قابل استحاله وبازیکنانش در هر دوسو کوچکترین شکی در باورهای وامانده وکپک زده خود ندارند. که اساس دعوا بر سر سهم شیر و از تبعات سمت گیریهای بین المللی و اکیدا تابعی است از حرکت سرمایه و خواستگاه متفاوت سردمداران جهانی آن است. که ذاتا اگر جمهوری اسلامی فقط عمامه ای بر سر مناسبات سرمایه داری گذارده ولی تغییرات وحتى سمت گیریها آن تابعی است از روابط ومناسبات سرمایه داری در سطح بین المللی که در این میان چیزی که برای انحصارات امپریالیستی اکیدا مطرح نیست ، تغییر نظام وبهم ریختگی سیاسی دیگری در آن دیار است ولی اردوی امنیتی های اصلاح طلب مورد نیازشان!

\*\*\*\*\*

در بررسی حتی مختصر درگرایش های متفاوت ومختلف درون نظام حاکم برایران میتوان بوضوح روندها وترندهای مختلفی را رصد کرد که بی شک انعکاس آنها در رسانه های کشور ملاحظه میکنیم. اگر اردوی خامنه ای به مثابه عمود خیمه نظام ودربرگیرنده بازوهای نظامی وامنیتی مالی واداری عمل میکند اما که در بخش اصلاح طلب میتوان گرایش های پرنرنگ نئولبرال وحامی اصلاحات و رعایت قواعد ضوابط وبازی بین المللی از جمله فرمانبرداری از ملاحظات بانک جهانی را مشاهده نمود. در سوی دیگر ودر بخشی دیگر نسلی جوان درون جمهوری اسلامی سودای بازی در نقش ارباب نظامی منطقه را دارد که خود را در صفوف پاسداران و اقتصاد رانته وفرماندهان ارشد رژیم جای داده است. در کل جمهوری اسلامی نشسته بر توافق جمعی برای حفظ نظام بربریت اما که دارای شعبات مختلفی شده چون اردوی چینی ها به رهبری هاشمی رفسنجانی تا نظامیان پاسدار و نئولبرالهای وطنی. به همین زعم هم طیف راست اعم از دایناسورهای قدیمی ومیان باز تا دنباله های جمهوری خواهی بی پشتوانه ولبرالهای بخت برگشته وگروه های راست سنتی وتازه وارد اکیدا مورد بازی حتی انحصارات وارباب سرمایه بین المللی قرار نمیگیرند چرا که رونوشت اصل ودر قدرت و حاضر و آماده هرکدام از آنها درون خود نظام بربریت موجود ومیتوانند به نوبت وبنا به اوضاع بین المللی واز جمله نیاز نظام اسلامی به صحنه

آورده شوند. با نوشتن این ادعا من معتقدم که تلاش های جریاناتی در طیف راست و یا بریده از چپ یا سینه زنان قبلی مسکوکه در صدد جلب حمایت امریکا و ارباب سرمایه هستند و با حمله به چپ انقلابی میخواهند با پابوس ارباب نائل شوند از بن بیهوده و تنها لکه ننگ قبلی آنان را پررنگ تر خواهد نمود. این ادعا زمانی نوشته میشود که شکست و سرافکنندگی هر کدام از نیروهای میانه باز و همکاران خط امامی پیشین و کنونی آشکار شده است.

\*\*\*\*\*

برای پایان بردن این مطلب کوتاه مینویسم که تغییرات ژئوپولتیکی منطقه نیز در این میان چنان به حساسیت اوضاع افزوده که در یک کلام باید نقش مثبت جمهوری اسلامی برای امریکا و همکاری آن را در اشغال عراق و افغانستان تاکید نمود. که بدون نظام بربریت حاکم بر ایران ۱۶۴ میلیارد دلار اسلحه راهی عربستان و شیخ نشین ها نمیشود! که حضور و پیچیدگی جمهوری اسلامی چنان برای انحصارات اهمیت دارد که جایی برای عرفانیات و تلاش های گروه های راست و چشمک زن به امریکا و اروپا باقی نمیگذارد. در این میان انعکاس طبقاتی و بویژه آگاهی های سیاسی طبقه متوسط نو و کارگران چنان عمیق شده و وسعت گرفته که در صورت یک گشایش ناشی از موقعیتی انقلابی میتواند به تخریب سریع آنها یاری رساند. در این میان بلوغ و رزمندگی نیروهای چپ ضامن ایجاد جبهه ای است که دنباله آن در داخل و خارج از مرزهای ایران نمایان است. در این صورت زمینه سازی برای تشکیل سازمان مبارزه انقلابی از سوی چپ امری نه تنها ممکن که مسئولیتی است اخلاقی. این امکان نیز فقط میتواند با شرکت در مبارزه و برای عدالت اجتماعی و یک جمهوری لائیک و اجتماعی مادیت یابد. در این تصویر است که برای رهایی واقعی و عملی از اوضاع وحشتناک عمومی اقتصادی اجتماعی و اخلاقی جامعه حضور یک نیروی چپ انقلابی نه تنها ضروری که تنها جایگزین ممکن چهره کرده است. این مهم اما که نخست با اثبات دموکراسی در میان خود چپ انقلابی آغاز میشود و با دخالت حداکثری سیاسی در مبارزات روزانه زحمتکشان و تولید مستمر اندیشه راهگشا و سازماندهی نیروی کار عملی میشود. که توسعه دموکراتیک در ایران از اراده و توان بورژوازی ابر و وابسته ما خارج است و تنها توان و طرح و سازماندهی مرکزی شوراهای کار و برنامه حداکثری چپ میتواند ضامن عبور از وضع موجود و آغاز زمینه سازی برای آینده ای با عدالت اجتماعی باشد. آیا این چپ به وظایف بورژوازی عمل میکند یا برنامه عبور از آن را پیش روی دارد موضوع محوری و تفاوت ماهوی دو نوع چپ است. چپ باسماه ای یا سوسیال دموکرات و چپ انقلابی.





















